



روایت‌نو از غمی که کهنه نمی شود

گزارشی از اجراهای سوگ خوانی «عین» در تماشاخانه استاد نوری

- سوگ خوانی برای اهل بیت^(ع) با دغدغه اجتماعی و سیاسی

ایمان حیرانی، خوانشگر سوگ خوانی «عین»، درباره این اثر می‌گوید: گروه «ماهو» چند سال است که به تولیداتری با محوریت حضرت عباس^(ع) فکر می‌کرد. اما عنایت و لطف شخصیت ایشان، ما را به سمت پرداخت به برخی شخصیت های دیگر چون امام حسین^(ع) و حضرت زینب^(س) هدایت کردند. ولی امسال تصمیم گرفتیم بر شخصیت حضرت عباس^(ع) تمرکز کنیم؛ شخصیتی که هم دیپلمات و هم نظامی ماهر بوده است. تلاش ما این است که ابعاد انسانی و سیاسی این بزرگوار را بهتر به مردم جامعه مان معرفی کنیم.

این خوانشگر ادامه می دهد: دو گروه در حوزه محتوایی این اثر فعالیت می‌کنند. گروه اول، تحقیقی به مسائل اجتماعی و سیاسی روز دارند و گروه دوم، نویسندگانی هستند که محتوا را به نمایش نامه تبدیل می کنند. همکاری این دو گروه به ما این امکان را می دهد تا محتوای غنی و عمیق ارائه دهیم و معارف اهل بیت^(ع) را به روشی جذاب و هنری منتقل کنیم. رویکرد محتوایی نمایش، به ویژه در میان جوانان و کسانی که با شیوه های سنتی تبیین معارف اهل بیت^(ع) آشنایی ندارند، تأثیرات مثبتی را به همراه دارد. چون هنر می تواند بستری مناسب برای تلطیف فضای مصیبت باشد و به معارف دینی عمق بخشد.

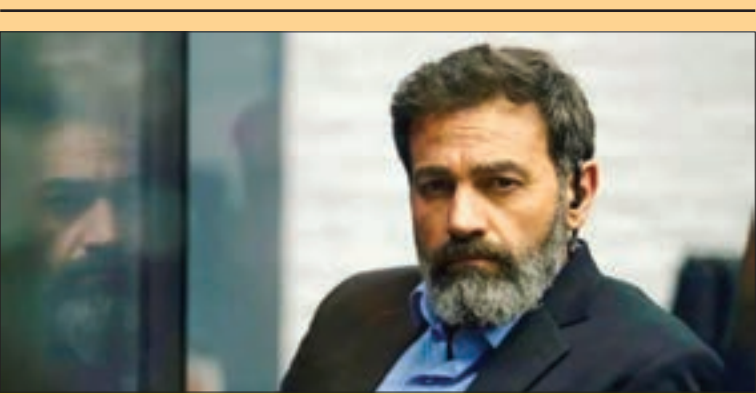
حیرانی از چالش های گروه فرهنگی ما هو در تولید اثر نمایشی می‌گوید: مسائل اداری، مالی و نیز تحریفات تاریخی از مهم ترین چالش های ما بوده است. اما با ارتباط مداوم با نهادهای مربوط و همچنین تکیه بر حمایت اهل بیت^(ع)، توانسته ایم بر این چالش ها غلبه کنیم و برنامه های خود را با موفقیت اجرا کنیم.

- عاشورا به روایت آب و بیابان

سید محمدرضا خازنی، نویسنده سوگ خوانی «عین»، درباره انتخاب شخصیت های آن می‌گوید: امسال برای بررسی عمیق تاریخ حماسه عاشورا، تصمیم گرفتیم دو عامل مهم که در صحرای کربلا نقش بنیادی ایفا کردند، در این اثر مورد توجه قرار دهیم. اولین عامل، خود بیابان کربلاست. با مطالعه متون تاریخی، مشخص شد که این سرزمین با پیشینه ای غنی و تاریخی، به عنوان جغرافیایی فرهنگی و تاریخی شناخته می شود که همواره از محبت به سیدالشهدا بهره مند بوده است. وی می افزاید: هدف ما این است که کربلا را به عنوان یک شخصیت زنده در نظر

بازسازی مضمونی مندرس

نگاهی به سریال «جزر و مد»؛ اثر محمدحسین لطیفی



محمد عنبرسوز

در روزگاری که رقابت در شبکه نمایش خانگی داغ تر از همیشه دنبال می شود و آثار معنویت درام یکی پس از دیگری در حال بالا بردن انتظارات مخاطبان هستند، محمدحسین لطیفی با سریالی به میدان آمده که شاید اگر ۱۰ سال پیش در تلویزیون پخش می شد، می توانست مخاطبانی را برای خودش دست و پا کند؛ اما در فضای امروز، «جزر و مد» بیش از هر چیز نشانی از عقب‌گرد دارد. نه فقط برای مخاطب، که برای خود کارگردانی که زمانی سازنده آثار درخشان و جریان ساز بود.

- نوسان کارنامه مرد پخته**

محمدحسین لطیفی همان کارگردانی است که در حافظه مخاطبان جدی تلویزیون، با سریالی چون «صاحبدلان» شناخته می شود؛ اثری که هنوز هم بسیاری آن را نمونه ای درخشان از معنویت درام محور می دانند. او همین چند سال پیش هم فیلم سینمایی «غریب» را ساخت، پرتره خوش ساختی با محوریت شهید محمد بروجردی که از منظر روایی دقیق و بسیار تأثیرگذار بود. لطیفی، اما، چند هفته ای است

بگیریم و در مقابل، شخصیت دوم، آب فرات یا «علقمه» است. این آب نماد عطش و سایه ای تلخ بر حماسه عاشوراست، زیرا نتوانست به لبان تشنه سیدالشهدا برسد. در این روایت، اصل نزاع میان بیابان و آب به تصویر کشیده می شود. آب دعوت می کند تا به یاری سیدالشهدا بیاید، اما آب با لجبازی و امتناع خود، این درخواست را رد می کند. این دو عنصر، برای اثبات خود و به تصویر کشیدن عمق ارتباطشان، به داستان ها و شخصیت های فرعی متوسل می شوند. از جمله این شخصیت های فرعی می توان به خیمه، مشعل، مشک و کاسه و نعل ها اشاره کنم.

این هنرمند ادامه می دهد: شخصیت ها به شکلی طراحی شده اند که مخاطبان را به مرکز واقعه عاشورا نزدیک کنند و ارتباطی مستقیم میان آن ها و کربلا برقرار کنند. هدف این است که نه تنها در شنیدن روضه بهمانیم بلکه با این عناصر، احساس نزدیکی بیشتری را حس کنیم. این ارتباط، تماشاگر را در دل حماسه کربلا قرار می دهد و راهی برای درک بهتر این واقعه تاریخی فراهم می‌کند. خازنی درباره فرایند پژوهشی سوگ خوانی می‌گوید: برای نگارش روایت عاشورا، باید تحقیقات تاریخی گسترده ای انجام می‌دادیم تا بتوانیم بیابان کربلا و آب فرات را به درستی بشناسیم. این تحقیقات به ماکمک کرد تا شخصیت پردازی های دقیق و مناسبی از این عناصر حیاتی بسازیم. شخصیت بیابان کربلا باید با منطقی مثبت و پیشینه ای غنی معرفی می شد. در حالی که آب با منطقی منفی و داستانی از امتناع و لجبازی بود. چالش شخصیت پردازی برای تمامی شخصیت های داستان به واقع یکی از سخت ترین مراحل کار ما بود. یکی دیگر از چالش های خاص ما، محدود بودن زمان روایت بود. باید از غروب تا سوعا تا صبح عاشورا را در یک متن واحد و مختصر روایت می‌کردیم. چنین کاری آسان نیست و نیازمند بررسی کتاب ها و منابع مختلف بود.

خیلی زود متوجه می شود که با روایتی مواجه است که بارها و بارها در قالب های مختلف تکرار شده؛ مرد متاهلی که دل در گرو معشوق قدیمی اش دارد، عشق دو جوان که با مخالفت خانواده متمول دختر همراه می شود، داماد کلاهبرداری که بار درام را به سختی به دوش می‌کشد، مسئله اختلاف یک زوج بر سر مهاجرت، قتل غیرعمدی و فرار و البته مادر مقتدر و دیکتاتوری که نقش پدرخوانده سنتی سریال ها را ایفا می کند. در سریال «جزر و مد» همه این خطوط اصلی و فرعی به جای آنکه به عمق شخصیت با هیفزایند، صرفاً در قالب هایی امتحان شده و نخ نما باقی می مانند.

- بازی های آنتورگونه**

در میان بازیگران اصلی این اثر، فقط آرش مجیدی و سعید چنگیزیان، اجراهای آبرومندی را به نمایش می گذارند. مجیدی در نقش تک پسر یک خانواده متمول که در جوانی تن به یک ازدواج اجباری داده و حالا زندگی زناشویی پر مسئله ای را تحمل می‌کند، تا حدی باورپذیر ظاهر می شود. چنگیزیان هم در نقش فردوس، توانسته شمایی با لودگی به اندازه ر طراحی و یک نقش مکمل کارآمد برای این اثر باشد.

اما یکی از ضعف های عمده سریال، حضور سایر بازیگران مکمل و ایفاگران نقش های فرعی است که حتی در حد استانداردهای معمول سریال های تلویزیونی هم ظاهر نمی شوند. برخی بازی ها آن قدر خام، تصنعی و بی رفق هستند که مخاطب را از درگیر شدن با فضای اثر بازمی دارند. این در حالی است که در یک سریال ملودرام، نقش های مکمل می توانند ستون های اصلی روایت باشند، اما در «جزر و مد» آن ها به حفره هایی بدل شده اند که انسجام کلی اثر را مختل می‌کنند.



اگر هنر در یک نقطه را کد بماند، بوی کهنگی به خود می‌گیرد و از بین می‌رود. امسال این گروه با تغییرات جدیدی در روند اجرا، سعی در خلق تجربه ای نو برای مخاطبان داشته اند. این تلاش مستمر در جهت نوآوری و حفظ خلاقیت است که سبب جلب توجه و بازخورد های مثبت از سوی مخاطبان شده است. این رویکرد جدید فرصتی را ایجاد کرد که نه تنها پیام خود را به روزتر منتقل کند، بلکه تجربه ای متفاوت برای تماشاگران به وجود

بیاورد. وی ادامه می دهد: نقطه عطف گروه فرهنگی و هنری ما هو در تنوع و نوآوری آن در هر سال و به ویژه در ایام فاطمیه و محرم است. این گروه با ارائه نمایش نامه های مختلف و یک مسئله جدید، به بررسی دغدغه های روزمره جامعه می پردازد. آن ها با انجام مخاطب سنجی و بررسی نیازها و سوالات ذهنی جامعه، تلاش می‌کنند به مسائل واقعی و دغدغه های مردم پاسخ دهند. این رویکرد به شکل گیری نمایش نامه هایی منجر می شود که در آن ها از معارف عمیق دینی، نظیر آموزه های الهی و سنت اهل بیت، به عنوان منابع غنی بهره گیری می شود. سپس این نمایش نامه ها در قالب اجراهای صحنه ای یا سوگ خوانی به مخاطبان ارائه می‌شود تا ضمن ایجاد فضای تفکری، تأثیرات مثبت اجتماعی و دینی را به ارمغان آورند.

● تأثیر روضه و هنر بازیگری، در انتقال پیام به مخاطب

سهیل حریمی، دستیار خوانشگردان، درباره نحوه تعامل خوانشگران و مخاطبان می‌گوید: ارتباط قوی و مؤثر خوانشگران با مخاطبان از اهمیت ویژه ای برخوردار است. یکی از روش های مؤثر در این راستا، استفاده از روضه و زیرسادهای مرتبط با آن است. خوانشگران هم راستا با روضه سعی در تنظیم لحن و صدای خود می‌کنند تا ارتباط عمیق تری با مخاطب برقرار کنند و تأثیرگذاری بیشتری روی او داشته باشند.

وی افزود، در بیشتر برنامه های نمایشی ما هو، مخاطبان به خوبی می دانند در چه مجلسی حضور دارند و پیش زمینه ای از مفاهیم ارائه شده دارند. این موضوع می‌تواند به خوانشگران کمک کند تا با استفاده از هنر بازیگری و مهارت های صدای خود، پیام ها را به طور مؤثرتری منتقل کنند. این پیش زمینه به آنان اجازه می دهد تا با در نظر گرفتن انتظارات مخاطب، بیان خود را تنظیم کنند.

- جرقه های زودگذر**

از نظر بصری و اجرا، هرچند سریال تلاش کرده است با نمایش فضاهای بومی و مهاجرت معکوس از تهران به شمال کشور، جاشنی متفاوتی را به اتمسفر بصری خود اضافه کند، اما این ایده نیز به خوبی پردازش نشده و در حد یک پس زمینه لوکیشنی باقی مانده است. در واقع، هیچ چیز سریال بومی نیست؛ جز مکانی که در آن فیلم برداری شده است، «جزر و مد» می‌توانسته حرفی تازه بزند، اما در مسیر روایت، آن قدر درگیر کلیشه های فرعی و مضمونی می‌شود که در عمل به هیچ دستاورد تازه ای نمی رسد.

- ظرفیت های هدررفته**

شاید بزرگ ترین پرسشی که «جزر و مد» برمی انگیزد، این باشد: چرا محمدحسین لطیفی که ظرفیت ساخت آثار ماندگار را دارد، به ساخت سریالی چنین سطحی رضایت داده است؟ پاسخ این سؤال شاید در فضای تولید این روزهای نمایش خانگی و سرعت گرفتن پروژه ها نهفته باشد. اما حتی در این شرایط نیز، از فیلم سازی که کارنامه ای چنین پرفراز و نشیب دارد، انتظار می‌رفت اثری آبرومند و قابل قبول به مخاطب عرضه کند یا لااقل همین اثر را در یک شبکه تلویزیونی پخش کند تا مخاطبانی با توقعات سینمایی پایین تر به تماشایش بنشینند. در مجموع، «جزر و مد» نه از منظر ساختار روایی، نه از نظر اجرا و نه از نظر بازیگری، توان استاندارد در کنار آثار شاخص شبکه خانگی را ندارد. این سریال، در بهترین حالت، می‌تواند برای تبلیغ یک پلتفرم تازه تأسیس و شنیده شدن نامش برای تولید آثار بهتر درآیند، مفید باشد و فعلاً فقط کد کنداکتور را بر کند، نه یک پروژه جدی برای رقابت در رسانه ای که امثال «وحشی» و «تاسیان» و «شکارگاه» همین حالا مشغول تعریف کردن استانداردهای تازه ای برای آن هستند.

اخبار هنری مشهد

۴ اثر از فیلم سازان مشهدی با ۴ روایت از جنگ ۱۲روزه



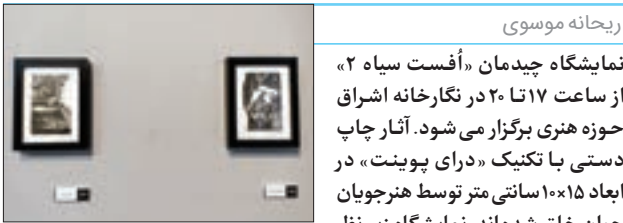
سجاد انتظاری، مسئول باشگاه فیلم رویش مشهد، درباره تولیدات این باشگاه درباره جنگ دوازده روزه و حضور در جشنواره فیلم کوتاه تهران توضیح داد. سجاد انتظاری، تهیه کننده، کارگردان و مسئول باشگاه فیلم رویش مشهد، وابسته به مرکز فیلم جوان سوره، درباره تولیدات

مربط با جنگ تحمیلی دوازده روزه گفت: در همان روزهای آغازین جنگ، گروهی با عنوان «بزم رزم» تشکیل دادیم و به مجموعه ای از ایده ها رسیدیم که چهار مورد از آن ها به آثار داستانی تبدیل شدند. انتظاری افزود: بخشی از ایده ها نیز مربوط به تولیدات فضای مجازی بود که همان زمان تهیه و منتشر شدند. درباره چهار اثر داستانی، تمرکز اصلی ما بر همین پروژه ها بود. دو اثر توسط خانم سراجی تولید شد و همچنین فیلم های «ایران» به کارگردانی ملیحی و «دنده معکوس» به کارگردانی برزویی آماده نمایش اند. اما هنوز اکران نشده اند. سجاد انتظاری درباره حضور در جشنواره فیلم کوتاه تهران گفت: انجمن سینمای جوانان پویشی با عنوان «وطن به روایت من» راه اندازی و اعام کرده است که همه آثار تولید شده در آن ایام به این پویش ارسال شوند تا پس از بررسی، تعدادی برای شرکت در جشنواره انتخاب شوند؛ ما نیز آثار خود را ارسال خواهیم کرد.

نگارستان

گزارشی از نمایشگاه چاپ دستی دانشجویان هنر در نگارخانه اشراق

نسل جوان علاقه مند به بازار آثار چاپی هستند



ریحانه موسوی

نمایشگاه چیدمان «افست سیاه ۲» از ساعت ۱۷ تا ۲۰ در نگارخانه اشراق حوزه هنری برگزار می‌شود. آثار چاپ دستی با تکنیک «درای پوینت» در ابعاد ۱۵×۱۰ سانتی متر توسط هنرجویان جوان خلق شده اند. نمایشگاه زیر نظر

مسعود وزیری، مدرس مؤسسات آموزش عالی شانديز، اقبال و فردوس، اداره می‌شود. درای پوینت (Drypoint)، یکی از انواع روش های چاپ دستی و از خانواده چاپ های گود است که در آن طرح با ابزار فلزی نوک تیز به صورت خط یا نقطه، مستقیم روی یک صفحه مسطح (از جنس انواع فلز نرم یا پلاستیک فشرده) حکاکی می‌شود. خطوط نازک و ظریف ایجاد شده پس از انتقال مرکب، جوهر را به خوبی در خود نگه می‌دارند و در هنگام چاپ، بافت ظریف و خاصی را به اثر می‌بخشد.

- چاپ گود چگونه انجام می‌شود؟

مسعود وزیری، مدرس دانشگاه، در توضیح آثار این نمایشگاه گفت: آثار با تکنیک «چاپ گود»، اجرا شده، که این نوع چاپ خانواده وسیعی دارد و بیشتر آن را روی فلز می‌دانند. اما ما بر روی موادی به اسم پلکسی با تکنیک «درای پوینت» کار کردیم، که یک روش حکاکی مستقیم است. در سایر روش ها اسیدکاری و کارهای مختلف انجام می‌دهند، اما در این روش ما طرحمان را برای هنرجویان رشته گرافیک که طراحی آن ها مقداری ضعیف تر است، در سایز ۱۵ در ۱۰ سانتی متر مشخص کردیم. آن ها از طرح پرچمت می‌گیرند، سپس در قسمت پینتی پلیت پلکسی قرار می‌دهند و شروع به حکاکی می‌کنند. این مرحله ساده به دست نمی‌آید و ما تمرین های مختلفی را انجام دادیم تا هنرجویان به درک درستی برسند، که با میزان فشار قلم و دوری و نزدیکی این خطوط، می‌توانند چه خاستکری به دست آورند و چه سایه و روشنی را ایجاد کنند که کارشان بُعد پیدا کند، یعنی کاملاً یکدست نباشد. بعد از اتمام حکاکی، رنگ‌گذاری انجام می‌شود که رنگ آن مرکب افست است و رنگ مشکي آن به دلیل کنتراست خوبی که نشان می‌دهد، مورد استفاده قرار گرفت. داخل حفره ها و شیارهایی که ایجاد شده، کاملاً مرکب قرار می‌گیرد و مرحله بعد باید مرکب ها را از روی پلیت بردارند و رنگ فقط داخل حفره ها قرار بگیرد، یعنی سایر قسمت هایی که مرکب داشته کاملاً تمیز شده است. وی ادامه داد: بعد از این مرحله مقوای خود را که باید مقوای دست ساز و بین ۱۸۰ به ۳۰۰ وزن داشته باشد، به مدت نیم ساعت داخل یک تشت آب قرار می‌دهند تا مرطوب شود. سپس بین کاغذ قرار می‌دهند، رطوبت آن را می‌گیرند و کاغذ نرم می‌شود. در مرحله بعد مقوا را روی پلیت قرار می‌دهند و نمذ دستگاه را می‌گذارند، که حتماً باید با دستگاه پرس کالکترگرافی که مخصوص تخت به گرد است استفاده کنند. وقتی کار را از زیر پرس می‌گذارند، قسمتی از مقوا که نرم بوده داخل حفره ها قرار گرفته و مرکب را به خود جذب می‌کند.

- نسل جوان به هنر چاپ علاقه مند هستند

وزیری بیان کرد: روش چاپ های گود، نفیس ترین و ظریف ترین چاپ ها را به ما می‌دهند، برعکس تکنیک سیلک و...، به همین دلیل معمولاً آثار را برای جشنواره ها ارسال می‌کنند. این آثار در جشنواره های خارجی قیمت های بالایی دارد و کارهای منتخب تا چند هزار دلار هم فروش دارند. اما در ایران این گونه نیست. این نمایشگاه ما حاصل کار دانشجویان من در مؤسسه آموزش عالی شانديز، فردوس و اقبال است، که دانشجویان یک تیم نبودند، بلکه در سه سال گذشته از بین آن ها آثاری که به کیفیت لازم رسیده بود انتخاب و این نمایشگاه را برگزار کردیم.

وی درباره دلیل نام‌گذاری نمایشگاه توضیح داد: «افست سیاه» یکی از رنگ هایی است که در قالب چاپ ها مثل چاپ برجسته همچون چوب، لینو و چاپ گود استفاده می‌شود. اولین نمایشگاهی که برگزار کردم تکنیک «لینو لئون» و مرکبی که از آن استفاده کردیم افست مشکي بود. این نمایشگاه دوم تکنیک چاپ گود است و باز هم از همان رنگ استفاده کردیم، که نام آن را «افست سیاه ۲» گذاشتیم. این مدرس دانشگاه با تأکید بر اینکه در تمامی آثار خود دانشجویان باید کار عکاسی را انجام دهد، بیان کرد: پس از عکاسی یک اثر منتخب شد و با روش های مختلفی که به آن ها آموختیم، آن عکس را حکاکی کردند. دلیل تأکید ما نسبت به عکاسی توسط خود هنرجویان این بود که ما عکس ها را در اینترنت نبینیم، من به دلیل سختی هایی که در این راه کشیدم، سعی کردم نسل جوان را به این سمت سوق دهم تا به چاپ علاقه مند شوند و بتوانند آثار خود را به فروش برسانند.

چارسوق هنر

هادی حجازی فر با فیلم «ناتور دشت» در راه سینما



اکران عمومی فیلم سینمایی «ناتور دشت» به نویسندگی و کارگردانی محمدرضا خردمندان به زودی در سینماهای سراسر کشور آغاز می‌شود. این فیلم که با الهام از یک داستان واقعی ساخته شده، به ماجرای تلخ ربایش یک کودک چهارساله می‌پردازد و درامی اجتماعی با لحنی انسانی و تأثیرگذار را به تصویر می‌کشد. در «ناتور دشت» بازیگرانی، چون هادی حجازی فر، میرسعید مولویان، سعید آقاخانی، علی مصفا، بابک کریمی و شبنم قربانی به ایفای نقش پرداخته‌اند. محمدرضا خردمندان، پیش‌تر با ساخت آثاری، چون «بیست و یک روز بعد» توانسته بود توجه مخاطبان و منتقدان را به خود جلب کند و حالا با «ناتور دشت»، به سراغ یکی از جنجالی ترین پرونده های اجتماعی سال های اخیر رفته است.